

Discourse Analysis of the Planning and Decision-Making System of Urban Development Plans with Emphasis on the Role of the Creative Class in Multicultural Cities (Case Study: Shahr-e Kord)

1. Armin Amiri¹: PhD Student, Department of Urban Planning, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Seyyed Mohammad Rashtian^{2*}: Department of Urban Planning, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Mohammad Masoud³: Department of Architecture and Urban Planning, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email Address: rashtiyani@iau.ac.ir

How to Cite: Amiri, A., Rashtian, S. M., & Masoud, M. (2026). Discourse Analysis of the Planning and Decision-Making System of Urban Development Plans with Emphasis on the Role of the Creative Class in Multicultural Cities (Case Study: Shahr-e Kord). *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(1), 1-25.

Abstract:

The present study aimed to analyze the discourse of the planning and decision-making system of urban development plans with emphasis on the role of the creative class in multicultural cities and to explain how creativity, cultural diversity, and urban governance influence creative urban development in Shahr-e Kord. This study was conducted using an exploratory mixed-method approach through both qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 12 planners, decision-makers, and urban experts, as well as 12 executive managers and officials in Shahr-e Kord. Participants were selected through purposive and snowball sampling methods, and the data were analyzed using ATLAS.ti software. In the quantitative phase, the conceptual model extracted from the qualitative findings was validated using Confirmatory Factor Analysis (CFA) and Structural Equation Modeling (SEM). The statistical population consisted of employees of urban executive organizations in Shahr-e Kord, from which 364 participants were selected based on the Morgan table. Data analysis was performed using SPSS and AMOS software, and the validity and reliability of the proposed model were examined. The findings indicated that the discourse of the urban decision-making system in Shahr-e Kord was primarily grounded in scientific support, consultants' professional competence, quality of plan preparation, and the three dimensions of the creative class, namely technology, human talent, and cultural tolerance. In contrast, the discourse of implementation and executive decision-making emphasized governance mechanisms, supervision, transparency, social participation, and quality of implementation. CFA results confirmed that all constructs possessed acceptable validity and reliability, and model fit indices demonstrated satisfactory model fitness (CFI=0.93, RMSEA=0.059, KMO=0.782). Structural equation modeling revealed that the quality of the planning and decision-making system, creative human talent, and cultural tolerance had significant direct effects on the decision-making and implementation system, which together with technology and social participation significantly explained creative urban development outcomes. Furthermore, the findings showed that the gap between the planning system and the implementation system constitutes one of the major barriers to achieving creative urban development in Shahr-e Kord. The findings suggest that achieving creative urban development in multicultural cities requires revising dominant planning and governance discourses and strengthening the linkage between expert-based decision-making and participatory implementation.

Keywords: Discourse analysis, urban development plans, creative class, multicultural cities, urban decision-making, Structural Equation Modeling (SEM), Confirmatory Factor Analysis (CFA), Shahr-e Kord.

Received: 22 December 2025

Revised: 05 May 2026

Accepted: 12 May 2026

Published: 22 May 2026



تحلیل گفتمان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری با تأکید بر نقش طبقه خلاق در شهرهای چندفرهنگی (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

۱. آرمین امیری^{ID}: دانش آموخته دکتری، گروه شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. سید محمد رشتیان^{ID*}: گروه شهرسازی واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. محمد مسعود^{ID}: گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: rashtiyani@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: امیری، آرمین، رشتیان، سید محمد، و مسعود، محمد. (۱۴۰۵). تحلیل گفتمان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری با تأکید بر نقش طبقه خلاق در شهرهای چندفرهنگی (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۱)، ۱-۲۵.

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل گفتمان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری با تأکید بر نقش طبقه خلاق در شهرهای چندفرهنگی و تبیین چگونگی تأثیر مؤلفه‌های خلاقیت، تنوع فرهنگی و حکمروایی شهری بر توسعه خلاق شهر شهرکرد بود. این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی و با استفاده از روش کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان، کارشناسان شهری و نیز ۱۲ نفر از مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی شهرکرد گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله‌برفی انجام گرفت و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار ATLAS.ti صورت پذیرفت. در ادامه، مدل مفهومی استخراج شده از مرحله کیفی، در بخش کمی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) اعتبارسنجی شد. جامعه آماری بخش کمی شامل کارکنان دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور شهری شهرکرد بود که بر اساس جدول مورگان، ۳۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد و شاخص‌های روابی و پایایی مدل مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که گفتمان نظام تصمیم‌سازی در شهرکرد بر مؤلفه‌هایی مانند پشتیبانی علمی، صلاحیت حرفه‌ای مشاوران، کیفیت تهیه طرح‌ها و شاخص‌های سه‌گانه طبقه خلاق شامل تکنولوژی، استعداد انسانی و بردباری فرهنگی استوار است، در حالی که گفتمان تصمیم‌گیری و اجرا بیشتر بر سازوکارهای حکمروایی، نظارت، شفافیت، مشارکت اجتماعی و کیفیت اجرای طرح‌ها تأکید دارد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد تمامی سازه‌ها از روابی و پایایی مطلوب برخوردارند و شاخص‌های برازش مدل نیز مناسب گزارش شد ($KMO=0.782$, $RMSEA=0.059$, $CFI=0.93$). نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که کیفیت نظام تصمیم‌سازی، استعداد انسانی خلاق و بردباری فرهنگی اثر مستقیم و معناداری بر نظام تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه شهری دارند و این سازه به همراه تکنولوژی و مشارکت اجتماعی، توسعه خلاق شهری را تبیین می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که شکاف میان نظام تصمیم‌سازی و نظام تصمیم‌گیری اجرایی، یکی از مهم‌ترین موانع تحقق توسعه خلاق شهری در شهرکرد محسوب می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که تحقق توسعه شهری خلاق در شهرهای چندفرهنگی مستلزم بازنگری در گفتمان‌های مسلط بر نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهری و تقویت پیوند میان تصمیم‌سازی تخصصی و اجرای مشارکتی است.

کلیدواژگان: تحلیل گفتمان، طرح‌های توسعه شهری، طبقه خلاق، شهرهای چندفرهنگی، تصمیم‌سازی شهری، مدل‌یابی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی، شهرکرد.

تاریخ دریافت: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ انتشار: ۱ خرداد ۱۴۰۵



مقدمه

طرح‌های توسعه شهری یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت و مدیریت فرایند تحول و گسترش شهرها به شمار می‌آیند و از طریق تعیین کاربری‌های زمین، تنظیم الگوی رشد کالبدی و پیش‌بینی زیرساخت‌های لازم، تلاش می‌کنند چشم‌انداز مطلوبی از آینده شهر ارائه دهند (1). کارآمدی این طرح‌ها زمانی تحقق می‌یابد که دو نظام مکمل «تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی» و «تصمیم‌گیری و اجرا» به شکلی هماهنگ عمل کنند؛ زیرا نظام نخست مسئول تولید دانش، تحلیل‌های تخصصی و تدوین راهکارهای سیاستی است و نظام دوم وظیفه اجرای تصمیمات و تبدیل برنامه به کنش عملی را بر عهده دارد (2). در واقع، تصمیم‌سازی فرایندی است که طی آن سیاست‌ها، جهت‌گیری‌ها و انتخاب‌های راهبردی شکل می‌گیرند (3)، در حالی که تصمیم‌گیری به مرحله اجرای این سیاست‌ها مربوط می‌شود (3).

با وجود اهمیت این دو نظام، ارزیابی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف طرح‌های توسعه شهری در کشور محقق نمی‌شوند (4-6). مهم‌ترین دلایل این ناکارآمدی، رویکردهای تک‌بعدی و غیرمنعطف در تهیه طرح‌ها، بی‌توجهی به تحولات اجتماعی و فرهنگی، و غفلت از ظرفیت‌های بومی در برنامه‌ریزی است (7). این امر نشان‌دهنده ضرورت بازنگری جدی در هر دو سطح برنامه‌ریزی و اجرا است.

از میان عوامل مؤثر بر این بازنگری، نقش «فرایند تصمیم‌سازی» برجسته‌تر است؛ زیرا اتکا به دانش بومی، ظرفیت‌های اجتماعی و بهره‌مندی از گروه‌های خلاق می‌تواند امکان اجرای موفق طرح‌ها را افزایش دهد. یکی از رویکردهای نوین که می‌تواند این خلأ را پر کند، مشارکت دادن «طبقه خلاق» در تصمیم‌سازی شهری است؛ گروهی که فلوریدا بر اهمیت آن در توسعه شهرهای خلاق تأکید می‌کند (8). او سه شاخص «تکنولوژی، استعداد انسانی و بردباری (تحمل‌پذیری)» را به‌عنوان معیارهای اصلی ارزیابی طبقه خلاق معرفی می‌کند. این شاخص‌ها به‌ویژه در شهرهای چندفرهنگی اهمیتی دوچندان دارند، زیرا امکان تبدیل تفاوت‌های فرهنگی از یک «منبع تعارض» به «منبع خلاقیت» را فراهم می‌آورند (9).

در ایران نیز بسیاری از شهرها دارای تنوع فرهنگی هستند، اما در طرح‌های توسعه شهری کمتر به ظرفیت‌های این تنوع توجه شده است و نظام‌های برنامه‌ریزی اغلب رویکردی متمرکز و یکسان‌ساز اتخاذ کرده‌اند. شهر شهرکرد نیز از جمله نمونه‌های شاخص یک شهر چندفرهنگی است که ترکیب متنوعی از گروه‌های فرهنگی - قومی همچون بختیاری‌ها، ترک‌ها، لرها، کولی‌ها، نمدمال‌ها، گله‌دارها و دیگر محله‌های سنتی را در خود جای داده است. با وجود این ظرفیت‌ها، الگوهای رایج برنامه‌ریزی شهری نتوانسته‌اند از این تنوع فرهنگی به‌عنوان فرصتی برای شکل‌دهی به فضاها و تقویت مشارکت اجتماعی بهره‌برداری کنند. از این‌رو، پژوهش حاضر با انتخاب شهرکرد به‌عنوان مطالعه موردی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که: تحلیل گفتمان نظام تصمیم‌سازی در برنامه‌ریزی شهری چگونه می‌تواند از طریق تقویت مشارکت خلاق گروه‌های متنوع فرهنگی، به توسعه بافت اجتماعی - کالبدی شهرکرد کمک کند؟ این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه می‌توان با بازنگری در گفتارهای مسلط بر برنامه‌ریزی شهری، ظرفیت‌های طبقه خلاق را در شهرهای چندفرهنگی فعال کرد و طرح‌های توسعه شهری را با شاخص‌های شهر خلاق (تکنولوژی، استعداد انسانی، بردباری) همسو ساخت. چنین رویکردی می‌تواند از یک‌سو موجب افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندی شود و از سوی دیگر، امکان ارائه راهکارهای نوآورانه برای حل مسائل شهری را فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های پیشین مرتبط با طرح‌های توسعه شهری، به نقش طبقه خلاق در نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری، به‌خصوص در طرح‌های چندفرهنگی، پرداخته نشده است. با این حال، در پژوهش‌های مرتبط با تصمیم‌سازی و تهیه این طرح‌ها، مفاهیمی همچون ناکارآمدی تصمیم‌سازی‌های طرح‌های توسعه شهری (1، 7)، آسیب‌های فرایند تهیه تا اجرای آنها (10)، مؤلفه‌های فرایند تهیه و تصویب (11)، و مناسبات قدرت در فرایند برنامه‌ریزی آنها (12) مورد توجه قرار گرفته است.

ریحان کلوانق و همکاران با اشاره به ناکارآمدی این طرح‌ها در تحقق شهر پایدار بیان می‌کنند که لازم است در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری تجدیدنظری جدی و نگرشی اساسی مورد توجه قرار گیرد (1). حبیبی و شیخ‌احمدی، با ارزیابی این طرح‌ها نتیجه می‌گیرند که تهیه طرح‌های کنونی مبتنی بر توجه به ابعاد مختلف شهری نیست و همگام نبودن با تحولات زمانی نیز موجب بروز مشکلات متعدد می‌شود (7). خوشاب و همکاران بیان می‌کنند که نادیده گرفتن مسائل اجتماعی، موازی‌کاری بین‌نهادی و فقدان نیروی متخصص، سه آسیب مهم طرح‌های توسعه شهری محسوب می‌شوند (10). دانشور با آشکارسازی مؤلفه‌های فرایند تهیه و تصویب این طرح‌ها بیان می‌کند که ساختارهای گفتگومانی متفاوت در سه عرصه سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی و در دو مقیاس محلی و ملی ایران ایفای نقش می‌کنند که در این راستا، در مقیاس محلی، کوتاه‌مدت، پروژه‌محور و متأثر از مشارکت بازیگران و در مقیاس ملی، بلندمدت، متمرکز و آرمان‌گرا بوده است (11). رفیعیان و همکاران بیان می‌کنند که در ایران، با سیستم مدیریتی بالا به پایین، مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی حداقل است و این امر موجب می‌شود که از مشروعیت طرح، که برآیند تمام دیدگاه‌های کنشگران مبتنی بر دیدگاه‌های تعاملی است، کاسته شود (12). دادفر و همکاران نشان می‌دهند که در تدوین برنامه‌های توسعه شهری، ۲۰٪ اصول یازده‌گانه رویکرد آینده‌نگاری مورد توجه قرار می‌گیرد و لازم است هفت مرحله درک کردن، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، غربال‌سازی، تفسیر اطلاعات، آینده‌نگاری، خروجی‌ها، پیاده‌سازی و اجرا در تدوین فرایند این طرح‌ها مورد توجه قرار گیرد (13). کاظمیان و همکاران نیز با تحلیل چالش‌های تصمیم‌گیری اخلاقی مدیران شهری در این طرح‌ها بیان می‌کنند که تعارضات منافع بازیگران مختلف، ضعف قوانین در تعیین ماهیت مدیریت واحد اراضی، فشارهای بیرونی در برابر رعایت اصول اخلاقی و عدم توازن تأمین منابع عمومی و خصوصی از مهم‌ترین چالش‌های تصمیم‌گیری اخلاقی مدیران شهری در طرح‌های توسعه شهری محسوب می‌شوند (14). وانگ و همکاران در مقاله‌ای با مرور ادبیات و تحلیل کتاب‌شناختی نشان می‌دهند که بازآفرینی شهری نیازمند تصمیم‌سازی مشارکتی است (15). همچنین، روش تحلیل گفتمان در تحلیل مسائل شهری نیز در پژوهش توانگر و حبیبی مورد توجه قرار گرفته است که ایشان معتقدند روش تحلیل گفتمان می‌تواند در تحلیل روابط قدرت در فرایندهای برنامه‌ریزی و توسعه شهری، شناخت ایدئولوژی‌های ساختاریبخش و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آنها در شهر، برنامه‌ریزی شهری و شناخت گفتمان‌های غالب و رقیب در فرایندهای توسعه و فهم تحولات یا بازتولیدهای اجتماعی مرتبط با آنها سودمند باشد (16).

همچنین، بهره‌مندی از ظرفیت طبقه خلاق در مطالعات و طرح‌های شهری نیز در پژوهش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی (17)، مدل ارتباطی در فضاهای چندفرهنگی (18)، بهسازی سرمایه اجتماعی و ارتقای وفاق اجتماعی در شهرهای چندفرهنگی (19)، و الگوی برنامه درسی چندفرهنگی (20) در پژوهش‌های داخلی مورد توجه بوده است. در پژوهش‌های خارجی نیز ساری در پژوهشی با عنوان «ساخت مرزها و هویت‌های فرهنگی در ارتباطات بین‌فرهنگی: مورد ماردین به‌عنوان یک شهر چندفرهنگی» با هدف ترسیم مرزهای نمادین مرتبط با هویت فرهنگی در گفتمان فرهنگی روزانه و استفاده از روش قوم‌نگاری بین‌فرهنگی بیان می‌کند که مردم در شهر چندفرهنگی ماردین در ترکیه (که مسلمانان سنی‌مذهب، کاتولیک، آمریکایی،

کرد، ترک، عرب، ارتودوکس و ... در آن زندگی می‌کنند) مرزهای خود را بر اساس تفاوت‌های فرهنگی مشخص می‌کنند (21). لیگنی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بروکسل یک شهر چندفرهنگی. چگونه کودکان مهاجر مبتلا به CI را مدیریت کنیم؟ نتایج و راهنمایی.» با هدف تبیین نحوه مدیریت کودکان مهاجر مبتلا به CI در شهرهای چندفرهنگی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به ارائه نحوه مدیریت کودکان مهاجر مبتلا به CI در شهرهای چندفرهنگی می‌پردازند و نتایج نشان می‌دهد از آنجا که دانش‌آموز ممکن است به فرهنگ‌های گوناگونی تعلق داشته باشد، بافت فرهنگی یکپارچه و یکدست نیست و بدین ترتیب، آموزش چندفرهنگی ضرورت پیدا می‌کند (22). فینچر و همکاران در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی در شهر چندفرهنگی: تجلیل از تنوع یا تقویت تفاوت؟» با هدف بیان اهمیت برنامه‌ریزی شهری در شهرهای چندفرهنگی و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی بیان می‌کنند که در حالی که رهبران بسیاری از کشورها مخالف چندفرهنگ‌گرایی هستند، بسیاری از شهرها با تفاوت‌های قومی، نژادی و فرهنگی زندگی می‌کنند. این مقاله با تکیه بر ادبیات معاصر زبان انگلیسی، مروری توصیفی از شیوه برنامه‌ریزی در شهرهای چندفرهنگی ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که وظیفه برنامه‌ریزان و شهروندان، ساخت چندفرهنگی‌های روزمره است. این مقاله همچنین بیان می‌کند که نقش برنامه‌ریزان در تعامل با تفاوت‌های قومی و نژادی در شهر نئولیبرال معاصر باید مؤثرتر، خلاق‌تر و مشهودتر باشد و در اولویت قرار گیرد (23).

فیشر و همکاران نیز در پژوهشی تحت عنوان «شهرهای چندفرهنگی» با هدف بررسی تنوع زیستی در پنج شهر چندفرهنگی اروپایی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهند که تنوع زیستی مهم است: مردم عمدتاً غنای گونه‌های گیاهی بالاتر را در فضاهای سبز شهری (مانند پارک‌ها، زمین‌های بایر، مناظر خیابانی) ترجیح می‌دهند و موافقت می‌کنند که غنای گونه‌های گیاهی بالاتر، شهرهای قابل زندگی بیشتری را امکان‌پذیر می‌کند. علی‌رغم تنوع در شهرهای اروپایی، ارزیابی‌های مثبت غنای گونه‌های گیاهی بالا در میان گروه‌های اجتماعی - فرهنگی مختلف، از جمله افراد با پیشینه مهاجر، غالب بود. بنابراین، نتایج این مطالعه می‌تواند از سیاست‌های توسعه سازگار با تنوع زیستی و مدیریت فضاهای سبز شهری، با برجسته کردن استدلال‌های اجتماعی برای ادغام تنوع زیستی در برنامه‌های توسعه شهری، حمایت کند (24). به در پژوهشی تحت عنوان «شهرهای چندفرهنگی» با هدف تبیین مفهوم شهرهای چندفرهنگی و با استفاده از روش توصیفی و تحلیل بیان می‌کند که مطالعات علوم اجتماعی در مورد شهرهای چندفرهنگی دامنه وسیعی دارد؛ از توصیف چندفرهنگی به عنوان یک شرایط جمعیتی گرفته تا تجویز نحوه رفتار مردم در چنین شرایط ناهمگون تا درک کارکردهای سیاسی چندفرهنگی. اگرچه جدید نیست، اما الگوهای اجتماعی، فضایی و اقتصادی کنونی شهرهای چندفرهنگی مهاجرمحور تنوع بیشتری دارند. پیامدهای اداره و سازماندهی این شهرهای دارای تنوع موجود و تازه‌واردان نیز به‌طور فزاینده‌ای پیچیده است (25).

مبانی نظری

نظام تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه شهری در کشور

تصمیم‌سازی، فرایندی است که شکل‌گیری یک تصمیم را مورد توجه قرار می‌دهد (3) و در آن، تصمیم‌هایی توسط کارشناسان و سیاست‌گذاران تدوین می‌شود که بیانگر توافق یا عدم توافق در مورد مسیر پیش‌رو و پذیرش یا تأیید رسمی انتخاب راه‌حل است (3). ابزار تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری از جنبه‌های مختلفی همچون روش تهیه (خطی، سیستمی، چرخه‌ای)، رویکرد تهیه (جامع - سستی، برنامه‌ریزی ساختاری راهبردی، راهبرد توسعه شهری)، شیوه

ارزیابی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و یا بلندمدت) و بازنگری و نیز اسناد طرح توسعه شهری (برنامه اقدام و پروژه‌های موضوعی، موضعی، حریم، کاربری، دسترسی)، انعطاف‌پذیری و پشتوانه قانونی قابل بحث و بررسی است (11). در این راستا، در کشور، نظریه‌های برنامه‌ریزی متنوعی نیز وجود دارند که مسیر تصمیم‌سازی را هدایت می‌کنند. این نظریه‌ها شامل «برنامه‌ریزی عدالت‌خواه»، «برنامه‌ریزی اندک‌افزا»، «برنامه‌ریزی سیستمی»، «برنامه‌ریزی راهبردی»، «برنامه‌ریزی فرایندی»، «برنامه‌ریزی دادوستد»، «برنامه‌ریزی پاسخگو»، «برنامه‌ریزی دموکراتیک»، «برنامه‌ریزی مشارکتی» و «برنامه‌ریزی طراحی محور برای جامعه» می‌شوند (7, 26) که در محتوای آنها، به نقش طبقه خلاق در ساخت شهرهای چندفرهنگی توجه نشده است. با این حال، نقش برنامه‌ریزان در تعامل با تفاوت‌های قومی و نژادی در شهرهای معاصر لازم است به گونه‌ای مؤثرتر، خلاق‌تر و مشهودتر در اولویت قرار گیرد (23).

شهرهای چندفرهنگی

شهرهای چندفرهنگی شهرهایی تعریف می‌شوند که ساکنانی از اقوام، نژاد و ملیت‌های گوناگون دارند؛ به طوری که با داشتن حقوق شهروندی یکسان در یک شهر و به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند (27). در این شهرها، ایجاد وفاق و اتحاد امری حائز اهمیت محسوب می‌شود و انتزاع و افتراق نکوهیده است (19) و اهدافی همچون «برابری آموزش» و «درک مفاهیم بین‌فرهنگی»، «توسعه سواد قومی و فرهنگی»، «تبیین نگرش و ارزش‌ها»، «توانمندی در مهارت‌های اصلی»، «بهبود فردی برای اصلاح اجتماعی» و «توجه به شایستگی‌های اجتماعی چندفرهنگی» دنبال می‌شود (28, 29).

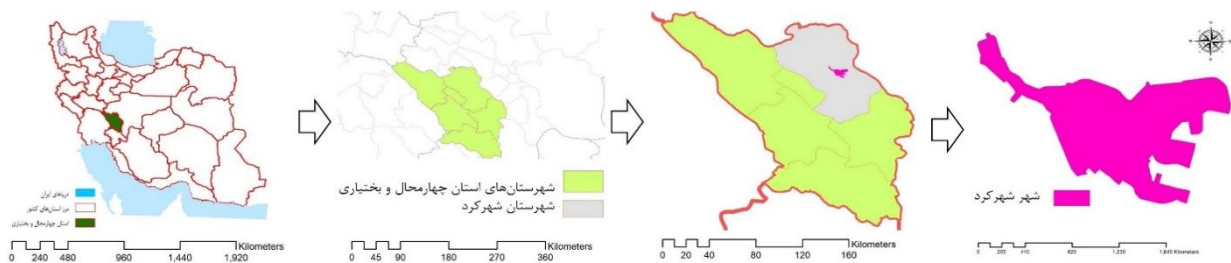
مطالعات شهرهای چندفرهنگی بیانگر طیف گسترده تصمیم‌ها و کارکردهای سیاسی است (25). تصمیم‌سازی در این شهرها از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی را به‌عنوان فرصت رشد و توسعه آن شهر مطرح کند و یا با تقابل گروه‌های متضاد اجتماعی، به تهدیدی برای درگیری‌های مختلف بدل شود. چنان‌که مسئولان محلی شهر لستر در انگلستان، از ورود جریان‌های مختلف مهاجر ورودی به شهر استفاده کردند و با بهره‌مندی از هویت چندفرهنگی خود و برپایی جشنواره‌های مختلف که بازدیدکنندگانی از سراسر جهان دارند، به برندسازی پرداختند (9). همچنین، شهرهای ملبورن با ساکنانی از ۲۰۰ کشور و برپایی جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی (30)، بیرمنگام با عرضه جشنواره‌های غذایی ۲۷ کشور مختلف (31, 32)، مونیخ با بهره‌مندی از طبقه خلاق و عرضه جشنواره‌ها و موزه‌های بین‌المللی و فرهنگی مختلف (33, 34)، شهر ساریوو در بوسنی با ایجاد تعامل گروه‌های قوی و مذهبی مختلف در بافت شهری (35)، اوتاوا با ثبت ۲۲.۶ درصد مهاجر خارجی در سال ۲۰۱۱ و برپایی موزه‌ها، گالری‌ها و جشنواره‌های متعددی از فرهنگ‌ها و موسیقی سراسر جهان (36) و شهر ملاکا در کشور مالزی، با پی‌جویی سیاست‌های نوسازی خود بر اساس ارزش‌های جهانی، تنوع فرهنگی مورد نظر یونسکو با تأکید بر دموکراسی، مدارا، فرهنگ، توسعه اقتصادی، شخصیت چندفرهنگی و در عین حال، همزیستی مسالمت‌آمیز سه جامعه بزرگ آن شامل مالایی‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها (37)، تصمیم‌سازی‌های متناسب با جنبه‌های فرهنگی را دنبال کردند تا با پذیرش تنوع فرهنگی، ضمن تلاش جهت وفاق و همبستگی میان فرهنگ‌های مختلف، با عرضه آثار هنری، غذایی، صنایع دستی، معماری و موسیقی فرهنگ‌های مختلف، امری را که می‌توانست موجب تضاد و نزاع در شهر گردد، به فرصتی برای همزیستی مسالمت‌آمیز افراد و پذیرش گردشگرانی از کشورهای مختلف جهان تبدیل کرده‌اند. این امر می‌تواند با تصمیم‌سازی شهری مربوطه در تهیه طرح‌های مختلف توسعه شهری داخلی نیز مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

مفهوم طبقه خلاق

در دهه‌های گذشته قرن حاضر، نظریه «طبقه خلاق» ارائه شده توسط ریچارد فلوریدا، در مرکز بسیاری از مباحث علمی و سیاست‌های شهری اروپا و آمریکا قرار گرفته است (38). فلوریدا معتقد است که رشد اقتصادی شهرهای مختلف به توانایی آنها برای جذب و نگهداشت طبقه خلاق بستگی دارد (39) و طبقه خلاق موجب افزایش ارزش اقتصادی می‌شوند (40). در واقع، او طبقه خلاق را گروهی می‌داند که اندازه‌ای از خلاقیت را در کسب و کار روزانه به کار می‌گیرند (41). همچنین، فلوریدا، در نظریه شهر خلاق خود، معتقد است که با بهره‌مندی از قابلیت‌های طبقه خلاق، شهر تبدیل به مکانی جذاب برای مطالعه، کار، پژوهش، ایده‌پروری و تفریح خواهد شد و با بهبود و ارتقای سطح کیفی فضاهای مختلف شهر، جذب طبقه خلاق نیز بیشتر خواهد شد (42). فلوریدا بیان می‌کند که خلاقیت با سه معیار (T3) که شامل «تکنولوژی»، «استعداد انسانی» و «بردباری یا ظرفیت تحمل‌پذیری» است، قابل سنجش است. او بردباری یا ظرفیت تحمل‌پذیری را با زیرمعیارهای متولدین خارج از شهر، شاخص تنوع، گروه‌های جنسیتی مختلف و شاخص بوهمین، مرتبط می‌داند. در این راستا، شهرهای مختلف، هریک با بهره‌مندی از یکی از سه معیار مذکور، نسبت به بروز و ظهور خلاقیت اقدام می‌کنند (8).

مطالعه موردی

پژوهش حاضر، شهر چند فرهنگی شهرکرد را برای پژوهش در راستای پاسخ به سوال پژوهش به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب کرده است. این شهر در ۹۷ کیلومتری جنوب غربی اصفهان قرار گرفته است و بر اساس آخرین سرشماری رسمی عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیتی برابر با ۱۹۰۴۴۱ نفر دارد (مرکز آمار ایران سال، ۱۳۹۵). در شهر شهرکرد وجود گروه‌هایی همچون ساکنان محله‌های رعنائی‌ها، نمدمال‌ها، گله‌دارها، کولی‌ها، ترک‌ها، شهرکردی‌ها، بختیاری‌ها، لرها و سایر اقشار، گواه تفاوت فرهنگی گسترده در این شهر است.



شکل ۱: موقعیت شهر شهرکرد در شهرستان، استان و کشور

بر اساس بررسی‌های میدانی، وجود مشکلاتی همچون «عدم مشارکت گسترده مردم در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری و تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها»، «عدم انسجام و یکپارچگی در نظام برنامه‌ریزی شهری»، «عدم ارتباط مناسب ساکنان با یکدیگر»، «نبود اتفاق نظر در مورد چشم‌انداز شهر»، «تبعیض»، «عدم حضور اجتماعی ساکنان در فعالیت‌های اجتماعی در سطح شهر به ویژه در روزهای تعطیل»، «عدم بستر ظهور خلاقیت و استفاده از ظرفیت طبقه خلاق در بافت‌های اجتماعی» بیانگر شکاف میان «نظام تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی» و «نظام تصمیم‌گیری و اجرا» برنامه‌های توسعه شهری است که بر ویژگی چندفرهنگی این شهر توجیهی نداشته‌اند.

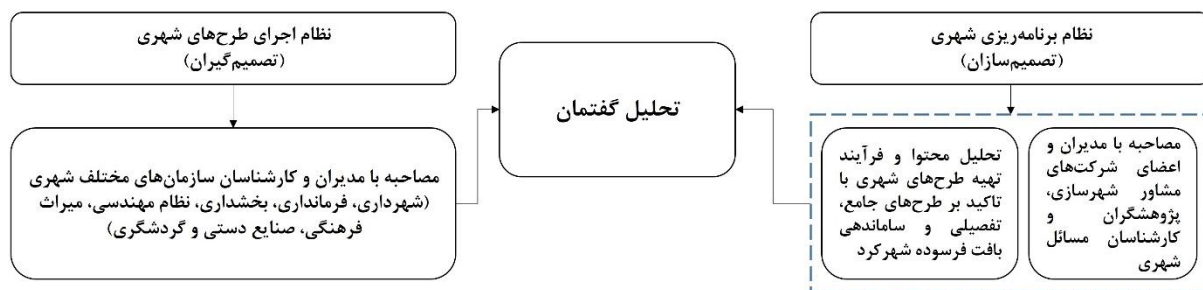
روش پژوهش

پژوهش بنیادی و توصیفی - تحلیلی حاضر با رویکرد کیفی انجام گرفته است و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از اعضای شرکت‌های مشاور شهرسازی فعال در شهرکرد (۴ نفر)، پژوهشگران (۳ نفر)، کارشناسان مسائل شهری (۵ نفر) انجام شده است. در این راستا، ابتدا ۵ نفر از ایشان به صورت هدفمند بر اساس آشنایی با مسائل شهرکرد، سابقه فعالیت پژوهشی در زمینه‌های فرهنگی و شهر خلاق انتخاب شدند و با ایشان مصاحبه شد. براساس آشنایی با مسائل شهرکرد، سابقه فعالیت پژوهشی در زمینه‌های فرهنگی و شهر خلاق و یا فعالیت حرفه‌ای شهرسازی انتخاب شدند و با ایشان مصاحبه شد. سپس براساس تکنیک گلوله برفی، از ایشان خواسته شد تا افراد دیگری را برای مصاحبه معرفی کنند. این روند تا نفر ۹ ادامه یافت، مصاحبه‌ها ضبط و به صورت فایل نوشتاری درآمدند و با استفاده از نرم‌افزار اطلس‌تی - آی تحلیل شدند. با وجود آنکه به نظر می‌رسید تا نفر ۹ جملات و کدهای حاصل از متن مصاحبه‌ها تکراری هستند و اشباع نظری حاصل شده است، این مصاحبه‌ها تا نفر ۱۲ ادامه یافت. از میان مصاحبه‌شوندگان، ۶۵٪ مرد و ۳۵٪ زن بودند. همچنین مصاحبه‌شوندگان که تمامی آنها سابقه حداقل ۶ سال سکونت در شهر شهرکرد را داشتند؛ ۴۰ درصد آشنایی بیشتری با مفهوم خلاقیت و طبقه خلاق، ۳۳ درصد آشنایی بیشتری با طرح‌های توسعه شهری و ۲۷ درصد آشنایی بیشتری با شهرهای چندفرهنگی داشتند.

تحلیل نتایج

داده‌های توصیفی

تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با ۱۲ نفر از تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و کارشناسان شهری در کنار متن کاوی اسناد توسعه شهری شهرکرد، نشان داد که ادراک افراد خبره از کارکرد نظام برنامه‌ریزی و میزان توجه آن به طبقه خلاق در بستر یک شهر چندفرهنگی، در سه محور اصلی قابل تجمیع است: نظام تصمیم‌سازی شهری، طبقه خلاق و ابعاد چندفرهنگی شهرکرد. خروجی تحلیل اطلس‌تی - آی بیانگر آن است که هریک از این سه محور دارای مجموعه‌ای از کدهای محتوایی با تکرار بالا بوده‌اند که تصویری نسبتاً روشن از ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه در شهرکرد ارائه می‌کند.



شکل ۱- ابرکلیدواژه‌های تکرار در مصاحبه‌ها

ابرواژگان نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند «چندفرهنگی»، «خلاق»، «تعامل»، «توسعه»، «نیروی متخصص» و «بردباری» بیشترین فراوانی را در میان پاسخ‌های مصاحبه‌کنندگان داشته‌اند. غلبه این واژگان بیانگر آن است که جامعه کارشناسی شهرکرد، توسعه شهری را صرفاً یک موضوع کالبدی نمی‌بیند، بلکه آن را پیوندخورده با کیفیت سرمایه انسانی، ظرفیت‌های فرهنگی و میزان پذیرش تنوع اجتماعی می‌داند. حضور کلیدواژه‌هایی مانند «تعامل فرهنگی» و «نوآوری» همچنین نشان می‌دهد که مسأله هم‌زیستی و ظرفیت‌سازی برای طبقه خلاق، در ذهن برنامه‌ریزان شهری اهمیت قابل توجه یافته است.

جدول ۱- خلاصه محورهای اصلی استخراج شده از داده‌ها و فراوانی نسبی آن‌ها

محور اصلی	مهم‌ترین کدهای فرعی	فراوانی نسبی	برداشت تحلیلی
نظام	پشتیبانی علمی، صلاحیت مشاور، نیروی متخصص، کیفیت تهیه طرح	زیاد	نظام تصمیم‌سازی از نظر حرفه‌ای و علمی ناکافی اما قابل ارتقا ارزیابی شده است.
تصمیم‌سازی	تکنولوژی، استعداد، بردباری	متوسط	طبقه خلاق به عنوان ظرفیت توسعه دیده می‌شود اما جایگاه نهادی آن در طرح‌ها کم‌رنگ است.
طبقه خلاق	وفاق فرهنگی، تعامل اجتماعی، زیرساخت‌های کالبدی	بسیار زیاد	چندفرهنگی بودن شهر یک واقعیت تعیین‌کننده در فرایند برنامه‌ریزی تلقی شده است.
شهر			
چندفرهنگی			

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی کدها به مؤلفه «چندفرهنگی» مربوط است؛ به‌ویژه کدهای «وفاق فرهنگی» و «تعامل» که بیانگر حساسیت بالای برنامه‌ریزان به نقش فرهنگ در تصمیم‌سازی شهری هستند. در محور نظام تصمیم‌سازی، مهم‌ترین دغدغه‌ها به کمبود پشتیبانی علمی، ضعف تخصص‌گرایی و کیفیت نه‌چندان مطلوب تهیه برخی طرح‌ها مربوط است؛ مسائلی که مستقیماً بر امکان بالفعل شدن ظرفیت‌های طبقه خلاق اثر می‌گذارند. محور «طبقه خلاق» با فراوانی متوسط، نشان‌دهنده اهمیت موضوع از دید کارشناسان است، اما هم‌زمان آشکار می‌کند که این مفهوم هنوز جایگاه روشنی در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهرکرد نیافته است.

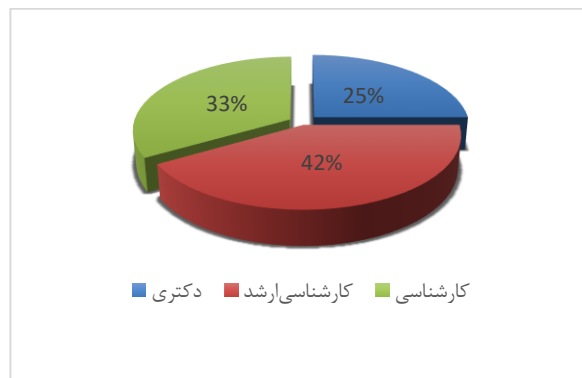
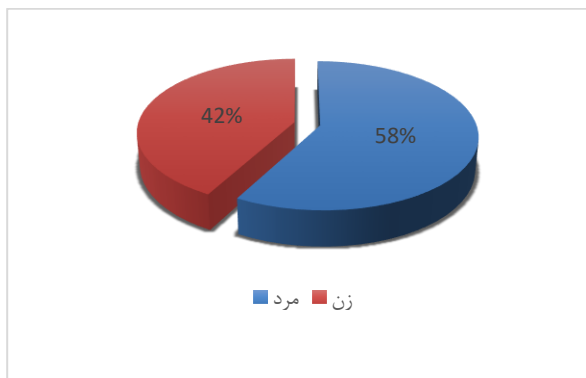
تحلیل کیفی نظام تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه شهری: نقش طبقه خلاق در شهر چندفرهنگی شهرکرد

در این بخش، داده‌های تحلیل شده از ۱۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تصمیم‌گیران، مدیران و کارکنان نظام اجرایی طرح‌های توسعه شهری در شهرکرد (شامل سازمان‌های شهرداری، فرمانداری، بخشداری، راه و شهرسازی، نظام مهندسی، میراث فرهنگی و گردشگری) ارائه شده است. مصاحبه‌شوندگان با سابقه حداقل ۵ سال سکونت در شهرکرد، پیرامون جایگاه طبقه خلاق و کیفیت اجرای طرح‌های توسعه شهری در شهر چندفرهنگی شهرکرد به اظهار نظر پرداختند. داده‌ها در قالب ۱۴۸ روایت استخراج شده و با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti تحلیل کیفی شدند.

جدول ۲- مشخصات مصاحبه‌شوندگان مرتبط با نظام اجرایی طرح‌های توسعه شهری

نام سازمان	تعداد مرد	تعداد زن	درصد مرد	درصد زن
شهرداری	۳	۱	۲۵٪	۸٪
فرمانداری و بخشداری مرکزی	۲	۰	۱۷٪	۰٪
راه و شهرسازی	۱	۱	۸٪	۸٪
نظام مهندسی	۱	۱	۸٪	۸٪
میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۰	۲	۰٪	۱۸٪
جمع کل	۷	۵	۵۸٪	۴۲٪

جدول ۲ نشان می‌دهد که ترکیب جنسیتی مصاحبه‌شوندگان نسبتاً متنوع بوده و ۴۲٪ آنان زن هستند. همچنین، جامعه مصاحبه‌کنندگان از سازمان‌های کلیدی مرتبط با فرایندهای اجرایی طرح‌های توسعه شهری انتخاب شده‌اند که نشان‌دهنده رویکرد جامع در گردآوری داده‌هاست.



شکل ۲. تحصیلات و جنسیت مصاحبه‌شوندگان نظام اجرایی

بررسی تحصیلات نشان می‌دهد ۴۲٪ دارای کارشناسی ارشد و ۲۵٪ دارای مدرک دکتری هستند که بیانگر سطح بالای تخصص و تسلط علمی مصاحبه‌شوندگان

است. این مسأله اعتبار و عمق تحلیل داده‌های کیفی را افزایش می‌دهد.



شکل ۳- ابرکلمات پر تکرار در داده‌های نظام تصمیم‌گیری طرح‌های توسعه شهری

ابرکلمات پر تکرار نشان‌دهنده محورهای اساسی مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان است. حضور واژگانی مانند «طبقه خلاق» و «چندفرهنگی» دلالت بر اهمیت

ویژه این مفاهیم در فهم و تحلیل نظام تصمیم‌گیری شهرکرد دارد. همچنین، واژگان مرتبط با «قدرت» و «نظارت» نمایانگر دغدغه از کیفیت نظارت اجرایی و

مسئولیت‌پذیری است.

جدول ۳- نمونه‌ای از عبارات استخراج‌شده از مصاحبه با یکی از کارکنان شهرداری

عبارات استخراج شده	پاسخ مصاحبه‌شونده
اجتماع و فرهنگ شهر چندفرهنگی	شهر چندفرهنگی یعنی سکونت فرهنگ‌های مختلف مانند بختیاری، لری، فارسی و ترکی... صنایع دستی و غذاهای محلی بیانگر این تنوع هستند.
بسنده‌گی سهم و سرانه فرهنگی	سرانه کاربری‌های فرهنگی باید متناسب، بسنده و با توزیع متناسب باشد.
وفاق و تعامل فرهنگی	سازوکار تقویت تعامل و وفاق میان ساکنان فرهنگی مختلف ضروری است.
مشارکت اجتماعی	مشارکت مردم در برگزاری رویدادهای فرهنگی برای ارتقاء ارتباطات مفید است.
کیفیت اجرای طرح توسعه شهری	برنامه‌ریزی دقیق و نظارت منصفانه بر رویدادهای فرهنگی برای کیفیت اجرا اهمیت دارد.

این مصاحبه نمونه با تأکید بر چندفرهنگی بودن شهرکرد، اهمیت زیرساخت‌های فرهنگی و مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد و نقش کلیدی حکمرانی و نظارت دقیق در تحقق ایده‌های خلاق را گوشزد می‌کند. نکته مهم، تأکید بر توجه به ویژگی‌های بومی فرهنگی است که در مطالعات تصمیم‌گیری اغلب مغفول می‌ماند.



شکل ۴- توصیفات محتوایی اصلی استخراج شده از داده‌های نظام تصمیم‌گیری

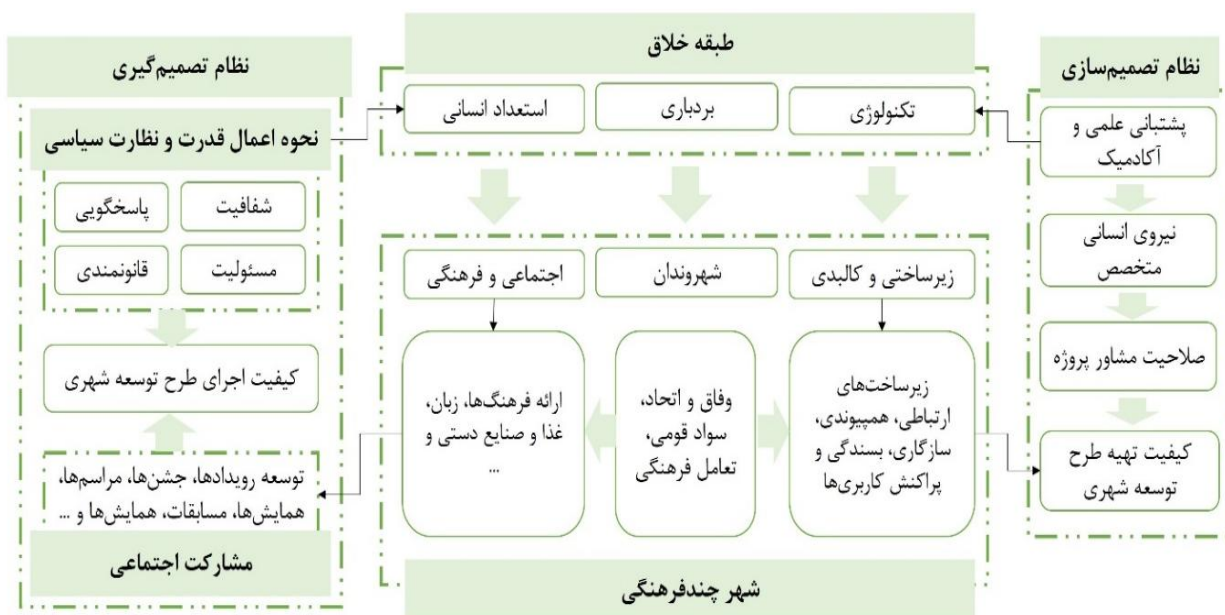
این توصیفات نشان می‌دهد نظام تصمیم‌گیری شهری شهرکرد در ترکیبی از فعالیت‌های نظارتی و مدیریتی و با توجه به نقش مشارکت اجتماعی به دنبال تحقق ایده‌های طبقه خلاق در بستری چندفرهنگی است. با این حال، وجود چالش‌هایی در شفافیت و پاسخگویی حکمرانی نیز مشاهده می‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد.

بررسی تطبیقی و جمع‌بندی تحلیل گفتمان نظام برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه شهری

نتایج تحلیل گفتمان دو گروه «تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان» و «تصمیم‌گیران و مدیران اجرایی» نشان می‌دهد که اگرچه هر دو گروه به‌طور مشترک بر برخی مفاهیم مانند تکنولوژی، بردباری و استعداد انسانی تأکید داشته‌اند، اما عمق و نحوه پرداختن به مفاهیم متفاوت بوده است. تصمیم‌سازان بیشتر بر مؤلفه‌های کالبدی، زیرساخت‌های ارتباطی، همپیوندی، پراکنش کاربری‌ها و سازگاری کالبدی در شهر چندفرهنگی تمرکز داشته‌اند؛ در حالی که تصمیم‌گیران بیشتر به جنبه‌های اجرایی، نظارتی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و کیفیت اجرای طرح‌ها پرداخته‌اند. ادغام این دو سطح تحلیل، مجموعه‌ای از ۵۳ گزاره کلیدی را آشکار می‌سازد که در ۱۴ معنای صورت‌بندی‌شده سازمان‌دهی شده‌اند. این ۱۴ معنا، عناصر سازنده مدل گفتمانی نهایی پژوهش هستند.

جدول ۴- دسته‌بندی گزاره‌ها و صورت‌بندی معانی دو گروه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران

ردیف	معنای صورت‌بندی‌شده	مهم‌ترین گزاره‌های استخراج‌شده
۱	پشتیبانی علمی و آکادمیک	تخصص اعضای هیئت علمی، بروز بودن محتوای آموزشی، رویکردهای نظام آموزشی، توجه به خلاقیت
۲	نیروی انسانی متخصص	رشته مرتبط، تجربه حرفه‌ای، محیط رشد، شکوفایی
۳	صلاحیت مشاور پروژه	تجربه مشاور، تعهد، سابقه حرفه‌ای
۴	کیفیت تهیه طرح توسعه شهری	واقع‌گرایی، روش‌مندی، توجه به ذی‌نفعان، توجه به الزامات قانونی و سیاسی
۵	تکنولوژی	نوآوری، بهره‌گیری از فناوری‌های برتر، اختراعات کالبدی
۶	بردباری	حضور فرهنگ‌های متنوع، ساکنان غیربومی، جذب و نگهداشت طبقه خلاق
۷	استعداد انسانی	پژوهشگران، حرفه‌مندان مجرب، سرمایه انسانی مؤثر
۸	زیرساخت و کالبد شهر چندفرهنگی	ارتباطات فرهنگی، همپوندی کالبدی، بسندگی و پراکنش مناسب کاربری‌های فرهنگی
۹	ویژگی‌ها و ارزش‌های شهروندان	وفاق، اتحاد در عین تفاوت، سواد قومی، تعامل فرهنگی
۱۰	اجتماع و فرهنگ شهر چندفرهنگی	تنوع زبان‌ها، صنایع دستی، غذاهای محلی
۱۱	نحوه اعمال قدرت و نظارت سیاسی	قانونمندی، کنترل و نظارت مستمر، بازدید از اجرای طرح‌ها
۱۲	نحوه حکمروایی	شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری مدیریت شهری
۱۳	کیفیت اجرای طرح توسعه شهری	زمان‌بندی مناسب، حمایت مالی (اسپانسر)، تعامل حقوقی و قانونی
۱۴	مشارکت اجتماعی	برگزاری رویدادها، تعامل اجتماعی مردم، همکاری رسانه‌ها



شکل ۵- مدل تلفیقی گفتمان نظام برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه شهری

نظام تصمیم‌سازی با تولید طرح‌های واقع‌گرا و مبتنی بر نیاز ذی‌نفعان، خوراک لازم برای تصمیم‌گیری اجرایی را فراهم می‌کند. نظام تصمیم‌گیری با شفافیت، نظارت و مشارکت اجتماعی، امکان تحقق طرح را در بستر شهر چندفرهنگی فراهم می‌سازد. طبقه خلاق نیز به عنوان پیشران نوآوری، به دو نظام یادشده پیوند خورده و ظرفیت‌های تکنولوژیک، استعداد و بردباری را به سیستم تزریق می‌کند. ساختار چندفرهنگی شهرکرد نیز بستری است که این تعامل میان چهار محور در آن رخ می‌دهد.

اعتبارسنجی مدل

برای اطمینان از انطباق مدل نظری با داده‌های تجربی و سنجش روایی سازه‌های پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شد. در این روش، پژوهشگر بر اساس مبانی نظری و نتایج بخش کیفی، ساختار متغیرهای پنهان را پیش‌بینی کرده و با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری، میزان برازش داده‌ها با مدل پیشنهادی را ارزیابی می‌کند. از آنجا که در استان چهارمحال و بختیاری ۳۳۴۲۶ نفر کارکنان دستگاه‌های اجرایی را تشکیل می‌دهند، جامعه آماری شهرکرد معادل ۶۷۱۶ نفر برآورد شد. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۶۴ نفر تعیین گردید و این مقدار با معیار حداقل ۵ تا ۱۰ نمونه برای هر متغیر (در این پژوهش ۵۳ گزاره) کاملاً سازگار است.

پیش از اجرای CFA، آزمون‌های KMO و بارتلت برای بررسی کفایت نمونه و مناسب بودن داده‌ها انجام شد. مقدار KMO برابر ۰.۷۸۲ و سطح معناداری آزمون بارتلت $\text{Sig} > 0.02$ حاصل شد که نشان‌دهنده کفایت نمونه و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است.

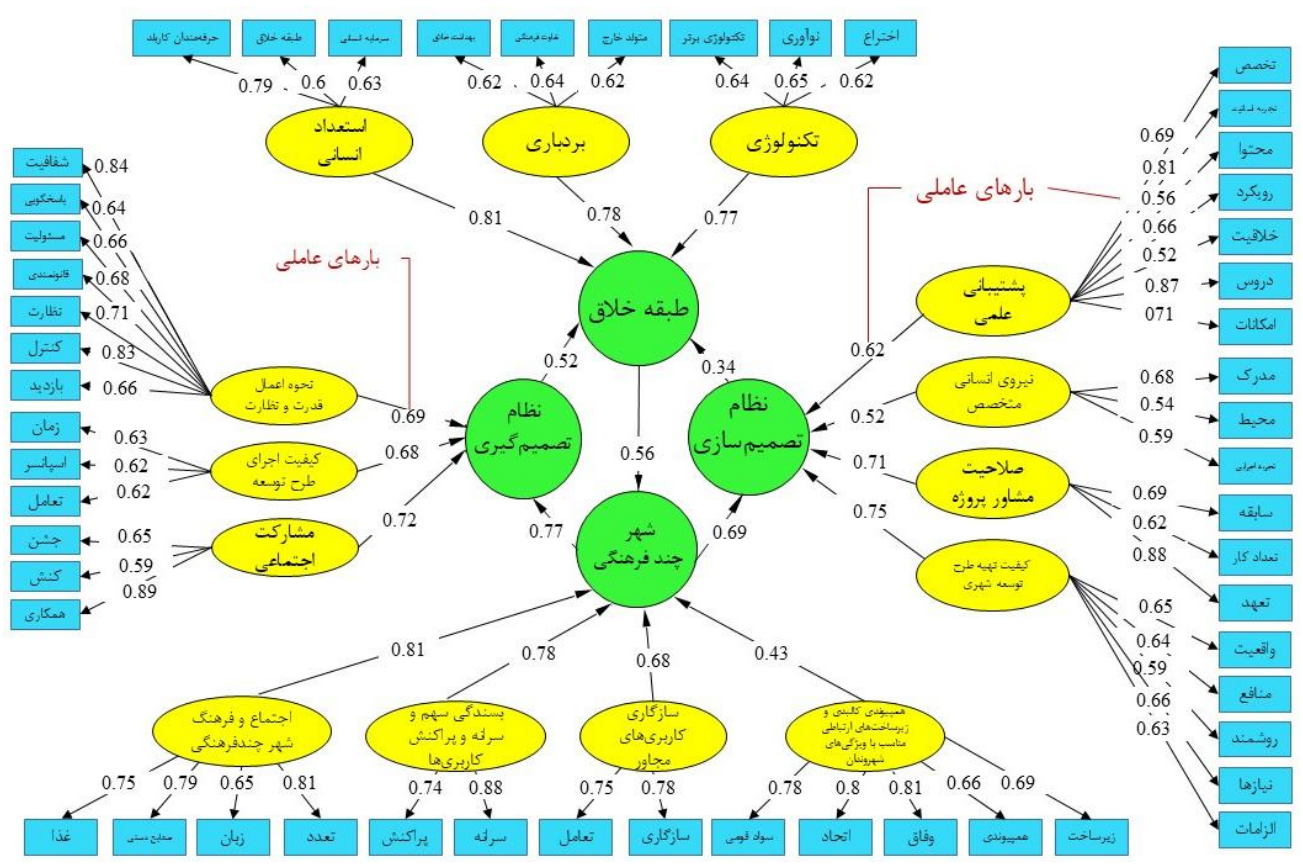
جدول ۵- نتایج آزمون KMO و بارتلت برای ارزیابی مناسب بودن داده‌ها

حجم نمونه	KMO	بارتلت	df	Sig
۳۶۴	۰.۷۸۲	۶۴۹۴.۸۲۵	۸۵۵	۰.۰۲

جدول ۶- نتایج خلاصه‌شده تحلیل عاملی تأییدی مفاهیم اصلی مدل

مفهوم	مهم‌ترین مؤلفه‌ها (معانی صورت‌بندی‌شده)	ضریب عاملی	شاخص‌های	بیشترین بار شاخص‌ها
		مؤلفه	تأییدشده	
نظام تصمیم‌سازی	پشتیبانی علمی، نیروی انسانی متخصص، صلاحیت مشاور، کیفیت تهیه طرح	۰.۷۵ تا ۰.۵۲	۱۸ شاخص	سرفصل دروس (۰.۸۷)، تعهد مشاور (۰.۸۸)
طبقه خلاق	تکنولوژی، بردباری، استعداد انسانی	۰.۷۷ تا ۰.۸۱	۹ شاخص	پژوهشگران باتجربه (۰.۷۹)
شهر چندفرهنگی	زیرساخت و کالبد، ارزش‌ها و ویژگی‌های شهروندی، اجتماع و فرهنگ	۰.۵۱ تا ۰.۸۱	۱۳ شاخص	بسندگی کاربری‌ها (۰.۸۸)، وفاق شهروندی (۰.۸۱)
نظام تصمیم‌گیری و اجرا	اعمال قدرت و نظارت، حکمروایی، کیفیت اجرا، مشارکت اجتماعی	۰.۶۸ تا ۰.۷۲	۱۳ شاخص	همکاری رسانه‌ها (۰.۸۹)، کنترل طرح‌ها (۰.۸۳)

تجلی‌نبرد معماری و شهرسازی



شکل ۶- تأیید صحت مدل پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی

مدل نهایی پژوهش، ساختار مفهومی استخراج‌شده از تلفیق داده‌های کیفی و نتایج تحلیل عاملی تأییدی را نشان می‌دهد و بیانگر نحوه ارتباط چهار مفهوم اصلی با مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیرمجموعه آنهاست. در این مدل، نظام تصمیم‌سازی شامل چهار مؤلفه بنیادین است که بارهای عاملی آنها بین ۰.۵۲ تا ۰.۷۵ قرار گرفته است. این دامنه نشان می‌دهد که کیفیت تهیه طرح، صلاحیت مشاوران، پشتیبانی تخصصی و وجود نیروی انسانی کارآمد، بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به این سازه دارند و از قدرت تبیین مناسبی برخوردارند.

طبقه خلاق نیز بر اساس داده‌های تجربی در قالب سه مؤلفه کلیدی شناسایی و در مدل نهایی تثبیت شده است. بارهای عاملی این مؤلفه‌ها از ۰.۷۷ تا ۰.۸۱ متغیر است که نشان‌دهنده نقش برجسته ترکیب سه عنصر تکنولوژی، بردباری و استعداد انسانی در ارتقای ظرفیت‌های خلاق شهر چندفرهنگی شهرکرد است. حضور بارهای عاملی بالا در این بخش بیانگر آن است که شاخص‌های مربوط به جذب، حفظ و بهره‌برداری از نیروهای خلاق پیوندی قوی با ساختار نظری مدل دارند.

در بخش مرتبط با شهر چندفرهنگی، سه مؤلفه اصلی شامل «زیرساخت و کالبد»، «ارزش‌ها و هویت شهروندی» و «اجتماع و فرهنگ» تأیید شده است. دامنه بارهای عاملی ۰.۵۱ تا ۰.۸۱ نشان می‌دهد که برخی ابعاد، به‌ویژه اجتماع و فرهنگ و نیز کیفیت و کفایت کاربری‌های شهری، نقش معنادارتری در تبیین پویایی چندفرهنگی شهرکرد دارند. این بخش از مدل به‌خوبی بازتاب می‌دهد که تنوع فرهنگی زمانی می‌تواند در خدمت توسعه پایدار قرار گیرد که در بستر کالبدی مناسب و با نهادهای تقویت‌کننده وفاق اجتماعی همراه شود.

در نهایت، نظام تصمیم‌گیری و اجرا شامل سه مؤلفه با بارهای عاملی ۰.۶۸ تا ۰.۷۲ است که نشان‌دهنده اهمیت سازوکارهای نظارت، حکمروایی و کیفیت اجراست. این بخش مدل تأکید دارد که موفقیت یا شکست طرح‌های توسعه شهری نه فقط به تصمیم‌سازی اولیه، بلکه به ساختارهای تصمیم‌گیری، میزان مشارکت اجتماعی، و شیوه اعمال قدرت اجرایی بستگی دارد.

به‌طور کلی، تمامی ۵۳ شاخص در چهار سازه اصلی با ضرایب معناداری کمتر از ۰.۰۵ تأیید شده‌اند و بارهای عاملی همگی آنها بیش از ۰.۵ است. این نتایج نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار بوده و می‌تواند چارچوبی معتبر برای تحلیل گفتمان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در طرح‌های توسعه شهری به‌ویژه در بستر شهرهای چندفرهنگی باشد.

ارزیابی مدل پژوهش

در این بخش، به‌منظور آزمون تجربی مدل مفهومی «تحلیل گفتمان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری با تأکید بر طبقه خلاق در شهر چندفرهنگی شهرکرد»، از مدل‌یابی معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار AMOS و SPSS استفاده شد. ابتدا ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌دهندگان و پیش‌فرض‌های آماری لازم برای اجرای SEM بررسی گردید و سپس روایی و پایایی سازه‌های اصلی تحقیق از طریق تحلیل عاملی تأییدی (CFA) مورد ارزیابی قرار گرفت. نمونه پژوهش شامل ۳۶۴ نفر از کارکنان دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور شهری شهرکرد بود که با استناد به جدول مورگان و با توجه به ۵۳ گویه نهایی پرسشنامه و حداقل نسبت ۵ تا ۱۰ نمونه برای هر متغیر، تعداد آن کفایت لازم برای تحلیل‌های مدل‌سازی را دارا بود.

جدول ۷- خلاصه ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌دهندگان

متغیر	گروه غالب	درصد تقریبی	تفسیر
جنسیت	مرد	اکثریت	نشان‌دهنده غلبه نیروی انسانی مرد در سطوح کارشناسی و مدیریتی دستگاه‌های اجرایی
سطح تحصیلات	کارشناسی و کارشناسی ارشد	بیش از نیمی از نمونه	بیانگر برخورداری جامعه آماری از حد قابل قبول سرمایه آموزشی و تخصصی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری
سابقه شغلی در امور شهری	۵ تا ۱۵ سال	بخش عمده نمونه	حاکمی از آن‌که بیشتر پاسخ‌دهندگان با فرآیندها، محدودیت‌ها و رویه‌های تصمیم‌سازی و اجرای طرح‌های شهری آشنا هستند
نوع سازمان محل خدمت	دستگاه‌های اجرایی دولتی و شهرداری	بیشترین فراوانی	نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در جایگاه‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه شهری قرار دارند

این الگوی توزیع، نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از نظر ترکیب تحصیلی و تجربی می‌تواند بازتاب‌دهنده گفتمان حاکم بر نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در شهرکرد باشد و برای تحلیل مدل مفهومی، واجد اعتبار است.

جدول ۸- خلاصه نتایج بررسی پیش فرض های مدل یابی معادلات ساختاری

پیش فرض	شاخص ها / آزمون ها	نتیجه کلی	تفسیر
نرمال بودن تک متغیره	چولگی و کشیدگی گویه های L, H, T, DE, DS, P (جدول ۴-۱۱)	مقادیر در بازه قابل قبول	توزیع متغیرها از نرمالیت قابل قبول برای SEM و CFA برخوردار است.
داده های چند متغیره	فاصله ماهالانوبیس، Cook's Distance, Leverage (جدول ۴-۱۲)	موارد پرت معنادار شناسایی نشد	حذف مورد خاص ضروری نبود و ماتریس کوواریانس مخدوش نشده است.
هم خطی چندگانه	Tolerance و VIF برای متغیرها (جدول ۴-۱۳)	$VIF < 10$ و $Tolerance > 0.1$	هم خطی چندگانه شدید وجود ندارد و برآورد ضرایب پایدار و قابل اعتماد است.

بنابراین، داده ها الزامات اولیه برای اجرای مدل یابی معادلات ساختاری را برآورده کرده و می توان به تحلیل مدل اندازه گیری و ساختاری پرداخت. پس از تأیید پیش شرط های آماری، مدل اندازه گیری با استفاده از CFA در نرم افزار AMOS برآورد شد. شاخص های کلی برازش برای مدل های اندازه گیری نشان دهنده برازش مناسب مدل با داده هاست. خلاصه نتایج CFA برای سازه های اصلی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۹- جمع بندی نتایج تحلیل عاملی تأییدی سازه های اصلی پژوهش

سازه / زیرسازه	دامنه بارهای عاملی استاندارد	(CR پایایی (AVE میانگین واریانس و وضعیت روایی و پایایی مرکب) استخراج شده)	وضعیت روایی و پایایی
نظام تصمیم سازی (DS)	حدود ۰.۸۵-۰.۷۸ برای گویه های DS\DS (جدول ۴-۱۵)	۰.۹۴ (جدول ۴-۱۶)	روایی همگرا و پایایی بسیار خوب؛ همه گویه ها $P > 0.001$
طبقه خلاق - تکنولوژی (T)	۰.۸۸-۰.۸۳ (جدول ۴-۱۷)	۰.۹۰ < (جدول ۴-۲۰)	روایی و پایایی قوی، تأکید بر نقش زیرساخت های فناورانه
طبقه خلاق - استعداد انسانی (H)	۰.۸۸-۰.۷۹ (جدول ۴-۱۸)	> ۰.۹۰	نشان دهنده اهمیت سرمایه انسانی خلاق در شهرکرد
طبقه خلاق - بردباری (L)	۰.۸۶-۰.۷۷ (جدول ۴-۱۹)	> ۰.۹۰	تأیید نقش فرهنگ مدارا و پذیرش تفاوت ها در جذب طبقه خلاق
شهر چندفرهنگی - زیرساخت و هم پیوندی کالبدی (PISC)	۰.۸۸-۰.۷۹ (جدول ۴-۲۲)	بالا	پیوند میان کیفیت کالبدی شهر و تجربه زیسته چندفرهنگی
شهر چندفرهنگی - سازگاری کاربری ها (LUC)	۰.۸۶-۰.۸۱ (جدول ۴-۲۳)	بالا	نشان دهنده اهمیت تناسب و ترکیب کاربری ها
شهر چندفرهنگی - بسندگی پراکنش کاربری های فرهنگی (SDCLU)	۰.۸۳-۰.۷۷ (جدول ۴-۲۴)	بالا	حاکمی از نقش توزیع عادلانه فضاهای فرهنگی در تقویت همزیستی
شهر چندفرهنگی - اجتماع و فرهنگ (CMC)	۱.۰ MC، ۱.۱ MC و سایر گویه ها (جدول ۴-۲۵ به بعد) با بارهای عاملی معنادار	بالا	تأکید بر هنجارها، ارزش ها و سرمایه اجتماعی در شهر چندفرهنگی

این نتایج نشان می‌دهد که همه سازه‌ها و زیربدهای تعریف‌شده در مدل، از منظر آماری معتبر و قابل اعتماد هستند و ساختار مفهومی استخراج‌شده از بخش کیفی، در سطح کمی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

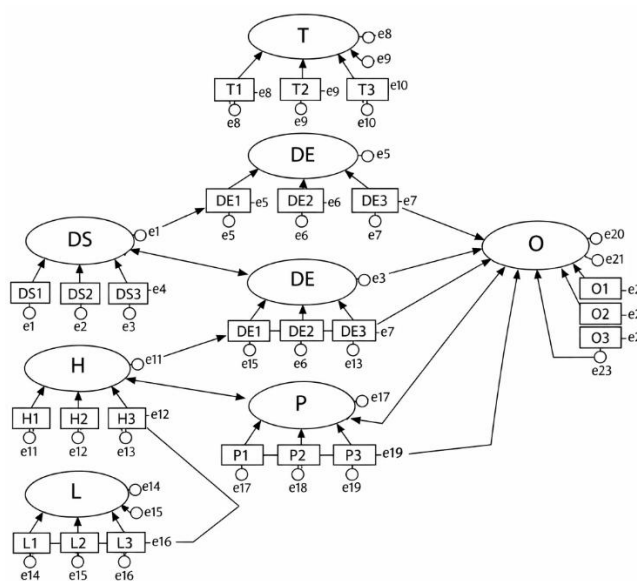
برآزش کلی مدل ساختاری

پس از تأیید روایی همگرا، واگرا و پایایی سازه‌های پنهان در مرحله تحلیل عاملی تأییدی، گام اصلی در مدل‌یابی معادلات ساختاری، ارزیابی برآزش کلی مدل ساختاری است. در این مرحله، مجموعه روابط علی میان سازه‌های اصلی پژوهش - شامل «نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی»، «طبقه خلاق»، «شهر چندفرهنگی» و «نظام تصمیم‌گیری و اجرا» - در چارچوب یک مدل یکپارچه در نرم‌افزار AMOS برآورد شد. هدف از این ارزیابی، اطمینان از آن است که مدل نظری ارائه‌شده توانسته باشد ماتریس کوواریانس داده‌های واقعی را با دقت مناسب بازنمایی کند و امکان تحلیل معتبر مسیرهای علی و آزمون فرضیه‌ها فراهم باشد.

جدول ۱۰- شاخص‌های برآزش مدل ساختاری نهایی در AMOS

شاخص برآزش	دامنه قابل قبول	مقدار به دست آمده	تفسیر
χ^2/df	کمتر از ۳	۲.۱۸	مطلوب و نشان‌دهنده فاصله اندک مدل با داده‌های تجربی
CFI	بزرگ‌تر از ۰.۹۰	۰.۹۳	برآزش خوب مدل نسبت به مدل مستقل
TLI	بزرگ‌تر از ۰.۹۰	۰.۹۲	برآزش تطبیقی مناسب
GFI	بزرگ‌تر از ۰.۹۰	۰.۹۰	قابل قبول و هماهنگ با پیچیدگی مدل
RMSEA	کمتر از ۰.۰۸	۰.۰۵۹	برآزش مطلوب و نزدیک به محدوده عالی (≤ 0.06)

بر اساس جدول فوق، همه شاخص‌های برآزش در محدوده قابل قبول و مطلوب قرار دارند. نسبت χ^2/df برابر با ۲.۱۸، نشان‌دهنده تناسب مناسب ساختار مدل با داده‌هاست. شاخص‌های CFI (۰.۹۳) و TLI (۰.۹۲) برآزش نسبی و تطبیقی بسیار خوبی را تأیید می‌کنند و مقدار RMSEA (۰.۰۵۹) نیز بیانگر خطای تقریب اندک مدل و ثبات ساختاری آن است. مجموع این شاخص‌ها تأیید می‌کند که مدل نظری ارائه‌شده از برآزش قوی و قابل اتکایی برخوردار است و می‌توان تفسیر مسیرهای علی را با اطمینان انجام داد.



شکل ۷- مدل ساختاری نهایی پژوهش در نرم‌افزار AMOS

این مدل روابط علی میان هفت سازه پنهان پژوهش را نشان می‌دهد: «نظام تصمیم‌سازی (DS)»، «نظام تصمیم‌گیری و اجرا (DE)»، «تکنولوژی (T)»، «استعداد انسانی (H)»، «بردباری (L)»، «مشارکت اجتماعی (P)» و «پیامد توسعه خلاق (O)». در بخش اندازه‌گیری، هر سازه توسط مجموعه‌ای از شاخص‌های مشاهده‌شده سنجیده شده و ضرایب بارهای عاملی تأیید می‌کنند که گویه‌ها به‌خوبی سازه مربوطه را تبیین می‌کنند. در بخش ساختاری، چند مسیر کلیدی مشاهده می‌شود:

$$(1) DS, H \text{ و } L \text{ دارای اثر مستقیم بر } DE \text{ هستند؛}$$

$$(2) DE, DS, T \text{ و } P, \text{ بر پیامد توسعه خلاق (O) اثر مستقیم دارند.}$$

این ساختار مسیرها نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه شهری خلاق در شهر چندفرهنگی شهرکرد علاوه بر عملکرد مؤثر نظام تصمیم‌گیری و اجرا، وابسته به سه مؤلفه کلیدی است: کیفیت تصمیم‌سازی، ظرفیت‌های سرمایه انسانی خلاق، و سطح بردباری و پذیرش فرهنگی در شهر. نتایج برازش مدل ساختاری نشان می‌دهد که مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوب و معتبر برخوردار است و توانسته است روابط پیچیده میان سازه‌ها را در بستر یک شهر چندفرهنگی با دقت توضیح دهد. شاخص‌های برازش قوی ($CFI > 0.9$ ، $RMSEA < 0.08$) نشان‌دهنده آن است که ترکیب سازه‌های «نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی»، «طبقه خلاق»، «شهر چندفرهنگی» و «نظام تصمیم‌گیری و اجرا» در قالب یک مدل یکپارچه، به‌درستی توانسته ساختار واقعی تصمیم‌سازی و پیامدهای توسعه خلاق در شهرکرد را بازنمایی کند، و بنابراین مبنای قابل اعتمادی برای تفسیر فرضیه‌ها و ارائه پیشنهادها سیاستی فراهم می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که گفتمان حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری در شهر چندفرهنگی شهرکرد، از نظر مفهومی گستره‌ای وسیع از مؤلفه‌های مرتبط با «طبقه خلاق» و «فرهنگ شهری» را دربردارد؛ اما این مفاهیم در نظام رسمی تهیه و اجرای طرح‌ها به‌طور ساختاریافته بازتاب نمی‌یابند. داده‌های کیفی بیانگر آن است که تصمیم‌سازان بیشتر بر ابعاد علمی، حرفه‌ای و فنی تهیه طرح‌ها (مانند صلاحیت مشاور، نیروی متخصص، کیفیت روش تهیه طرح و پشتیبانی علمی) تأکید دارند؛ درحالی‌که تصمیم‌گیران و مدیران اجرایی بیش از هر چیز بر سازوکارهای حکمروایی، نظارت، شفافیت، مشارکت اجتماعی و کیفیت اجرا تمرکز می‌کنند.

تحلیل تطبیقی دو گروه نشان داد که طبقه خلاق و شاخص‌های سه‌گانه آن (تکنولوژی، استعداد انسانی، بردباری) در هر دو گفتمان حضور دارند، اما جایگاه آنها پراکنده، غیرنهادمند و فاقد چارچوب اجرایی است. این امر سبب می‌شود ظرفیت‌های مهم شهرکرد - به عنوان شهری با تنوع فرهنگی گسترده - در طرح‌های توسعه شهری به‌طور مؤثر به کار گرفته نشود. مدل نهایی گفتمانی که از ادغام دو سطح تحلیل استخراج شد، نشان داد که بازسازی رابطه میان چهار سازه اصلی «نظام تصمیم‌سازی»، «طبقه خلاق»، «شهر چندفرهنگی» و «نظام تصمیم‌گیری و اجرا» شرط بنیادین تحقق نوآوری و توسعه خلاق در شهرکرد است.

یافته‌های کمی پژوهش این نتایج کیفی را تقویت کرد. CFA نشان داد که هر چهار سازه اصلی مدل از روایی و پایایی مناسب برخوردارند و برازش کلی SEM ($CFI = 0.93$ ، $RMSEA = 0.059$) نشان داد که روابط پیشنهادی میان سازه‌ها از نظر آماری قابل اتکا هستند. مهم‌ترین مسیرهای ساختاری نشان دادند که کیفیت تصمیم‌سازی (DS)، استعداد انسانی خلاق (H) و بردباری فرهنگی (L) به‌طور مستقیم بر کارآمدی نظام تصمیم‌گیری و اجرا (DE) اثر می‌گذارند و این سازه، همراه با تکنولوژی (T)، مشارکت اجتماعی (P) و بخشی از مؤلفه‌های تصمیم‌سازی، پیامدهای توسعه شهری خلاق (O) را شکل می‌دهد. به بیان دیگر،

مدل نشان می‌دهد که توسعه خلاق در شهرکرد تنها زمانی محقق می‌شود که ظرفیت‌های فرهنگی و انسانی شهر هم‌زمان با اصلاح ساختارهای سیاست‌گذاری و حکمروایی شهری فعال شوند.

جمع‌بندی پژوهش بیانگر آن است که شکاف میان نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری شهرکرد، مانع فعلی و اساسی برای تحقق توسعه شهری خلاق در یک شهر چندفرهنگی است. نظام تصمیم‌سازی از کمبود پشتیبانی علمی، محدودیت در به‌کارگیری فناوری‌های نوین، و ضعف در توجه به سرمایه انسانی خلاق رنج می‌برد. در مقابل، نظام تصمیم‌گیری و اجرا با چالش‌هایی چون نظارت ناکافی، عدم شفافیت، مشارکت اجتماعی محدود و سازوکارهای حکمروایی غیرمنعطف مواجه است. این دو حوزه در کنار هم سبب می‌شوند که ظرفیت بالقوه شهرکرد به‌عنوان یک اجتماع چندفرهنگی با زمینه‌های قوی تعامل اجتماعی و سنت‌های فرهنگی متنوع- در مسیر توسعه شهری خلاق بالفعل نشود.

تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که طبقه خلاق می‌تواند حلقه واسط میان این دو نظام باشد. تقویت نقش طبقه خلاق با اتکا به سه معیار فلوریدا (تکنولوژی، استعداد، بردباری) می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌سازی، ارتقای نوآوری در اجرا و افزایش هم‌پیوندی فرهنگی در سطح شهر کمک کند. مدل ساختاری پژوهش نیز تأیید کرد که حضور مؤثر طبقه خلاق هم بر تصمیم‌سازی و هم بر تصمیم‌گیری اثر مستقیم دارد و زمانی که این دو سیستم هماهنگ شوند، توان پیش‌بینی پیامدهای توسعه شهری خلاق به‌طور معناداری افزایش می‌یابد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در شهرکرد، مسیر دستیابی به توسعه شهری خلاق نه تنها از اصلاح سازوکارهای فنی تهیه طرح‌ها و بهبود مدیریت اجرایی می‌گذرد، بلکه نیازمند بازشناسی ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی در قالب یک گفتمان نوین مبتنی بر خلاقیت و تنوع فرهنگی است. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادها کاربردی زیر برای ارتقای نظام تصمیم‌سازی و اجرای طرح‌های توسعه شهری در شهر چندفرهنگی شهرکرد ارائه می‌شود:

۱. نهادینه‌سازی نقش طبقه خلاق در فرآیند تهیه طرح‌های توسعه شهری

- تشکیل «کمیته مشورتی طبقه خلاق شهرکرد» در کنار کمیته تدوین طرح‌ها
- استفاده از متخصصان فناوری، هنرمندان، پژوهشگران خلاق و گروه‌های فرهنگی متنوع در مراحل تصمیم‌سازی

۲. تقویت شاخص تکنولوژی در برنامه‌ریزی شهری

- تدوین سامانه‌های هوشمند برای مشارکت شهروندان
- بهره‌گیری از مدل‌های GIS پیشرفته، داده‌کاوی و فناوری‌های نو در تحلیل و تصمیم‌گیری

۳. ارتقای ظرفیت استعداد انسانی و سرمایه فکری شهر

- حمایت از پژوهش‌های کاربردی در حوزه شهر خلاق
- ایجاد فضاهای نوآوری شهری، کوورکینگ‌ها و انکوباتورهای خلاق

۴. تقویت بردباری فرهنگی و مدیریت تنوع اجتماعی

- طراحی رویدادهای شهری مشترک برای گروه‌های فرهنگی مختلف

- ارتقای آموزش‌های عمومی درباره مهارت‌های بین‌فرهنگی
- ۵. اصلاح ساختار حکمروایی و نظام تصمیم‌گیری شهری
 - افزایش شفافیت در اجرای پروژه‌ها
 - ایجاد سازوکارهای نظارت مردمی و گزارش‌دهی عمومی
 - تقویت پاسخگویی و کاهش موازی‌کاری سازمانی
- ۶. بازنگری در کیفیت تهیه طرح‌های توسعه شهری
 - استفاده از مشاوران متخصص با تجربه در شهرهای چندفرهنگی
 - الزام به تحلیل فرهنگی-اجتماعی قبل از ارائه هر پیشنهاد کالبدی
- ۷. تقویت مشارکت اجتماعی در بستر شهر چندفرهنگی
 - مشارکت دادن ساکنان بومی و گروه‌های فرهنگی متنوع در فرایندهای برنامه‌ریزی
 - بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تقویت گفت‌وگوی فرهنگی

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Urban development plans are among the most important instruments for guiding urban transformation, regulating land use, organizing spatial growth, and anticipating the infrastructural requirements of cities. Their effectiveness depends on the interaction between two complementary systems: the planning and decision-shaping system, which produces knowledge, technical analysis, and policy alternatives, and the decision-making and implementation system, which transforms these alternatives into executive urban action (1, 2). However, many urban development plans in Iran have not fully achieved their intended objectives because of rigid, centralized, and homogenizing approaches, limited attention to social and cultural change, and weak incorporation of local capacities (4-7). This problem becomes more significant in multicultural cities, where cultural plurality may either become a source of conflict or be transformed into a basis for creativity, cohesion, and participatory development.

The concept of decision-shaping highlights the stage in which strategic orientations, policy choices, and planning alternatives are formed before formal decisions are implemented (3). Previous studies have examined the inefficiency of urban development plans, the pathology of their preparation and implementation processes, the role of power relations in planning, and the importance of participatory decision-making in urban regeneration (10-12, 15). In parallel, discourse analysis has been introduced as a useful approach for examining power relations, dominant ideologies, and competing narratives in urban planning and development processes (16). Nevertheless, limited attention has been paid to the role of the creative class in connecting urban decision-shaping and decision-making systems, particularly in multicultural urban contexts.

The creative class theory emphasizes the role of technology, talent, and tolerance in urban creativity and economic development (8, 41). Creative human capital, technological capacities, and cultural tolerance can strengthen the attractiveness, innovation capacity, and competitiveness of cities (38-40, 42). In multicultural cities, these elements are especially important because planning must address cultural difference, intercultural communication, social tolerance, and shared urban identity (17-19, 23, 25). International experiences in cities such as Leicester, Melbourne, Birmingham, Munich, Sarajevo, Ottawa, and Malacca show that cultural diversity can be incorporated into urban branding, public space policy, cultural events, and governance mechanisms when multiculturalism is treated as an asset rather than a threat (9, 30, 31, 34-37). Accordingly, the present study aimed to analyze the discourse of the planning and decision-shaping system of urban development plans with emphasis on the role of the creative class in multicultural cities, using Shahr-e Kord as a case study.

Methods and Materials

This study was conducted using an exploratory mixed-method design. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with two groups of participants. The first group included 12 urban planners, decision-shapers, consultants, researchers, and urban experts familiar with the planning system, cultural issues, and the concept of creative cities in Shahr-e Kord. The second group included 12 executive managers and officials from organizations involved in the implementation of urban development plans, including the municipality, governorate, district administration, Roads and Urban Development Department, Engineering Organization, and Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Department. Participants were selected through purposive sampling and then snowball sampling. Interviews continued until theoretical saturation was reached, although additional interviews were conducted to ensure the stability of the extracted codes.

The qualitative data were recorded, transcribed, coded, and analyzed using ATLAS.ti software. The analysis focused on identifying recurring concepts, key propositions, and discursive themes related to the decision-shaping system, the decision-making and implementation system, the creative class, and the multicultural characteristics of Shahr-e Kord. The integration of the two qualitative analyses led to the formulation of 53 key propositions organized into 14 main themes.

In the quantitative phase, the conceptual model extracted from the qualitative findings was validated through Confirmatory Factor Analysis and Structural Equation Modeling. The statistical population consisted of employees of executive organizations related to urban affairs in Shahr-e Kord. Based on the Morgan table and the number of final indicators, 364 participants were selected as the sample. The data were analyzed using SPSS and AMOS. Before model estimation, statistical assumptions, including sampling adequacy, normality, multivariate outliers, and multicollinearity, were examined. The measurement model was assessed through factor loadings, composite reliability, average variance extracted, and model fit indices. The final structural model was then tested to determine the causal relationships among decision-shaping, decision-making and implementation, technology, human talent, tolerance, social participation, and creative urban development outcomes.

Findings

The qualitative findings showed that the discourse of urban decision-shaping in Shahr-e Kord is mainly structured around scientific and academic support, specialized human resources, consultants' professional competence, and the quality of urban plan preparation. These components indicate that the planning system is perceived as highly dependent on expert knowledge, methodological accuracy, professional commitment, and realistic attention to stakeholders' needs. At the same time, the creative class appeared in the discourse through three major dimensions: technology, human talent, and tolerance. However, the results showed that although these dimensions were recognized by participants, they had not yet been institutionalized in the formal structure of urban development plans.

The discourse of decision-making and implementation was centered on political supervision, governance mechanisms, transparency, accountability, quality of implementation, legal interaction, financial support, and social participation. Executive participants emphasized that the success of urban development plans depends not only on technical preparation but also on the capacity of governance structures to supervise, coordinate, implement, and publicly communicate urban projects. The integration of the two qualitative phases produced 53 key propositions within 14 main themes: scientific support, specialized human resources, consultant competence, quality of plan preparation, technology, tolerance, human talent, multicultural urban infrastructure and physical structure, citizens' values and characteristics, society and culture of the multicultural city, exercise of power and political supervision, governance, quality of implementation, and social participation.

The quantitative findings confirmed the validity of the proposed model. The KMO value was 0.782, and Bartlett's test was significant, indicating that the data were suitable for factor analysis. The CFA results showed that all main constructs had acceptable factor loadings, and all 53 indicators were confirmed with factor loadings above 0.50 and significance levels below 0.05. The decision-shaping construct was represented by scientific support, specialized human resources, consultant competence, and plan preparation quality. The creative class construct was confirmed through technology, tolerance, and human talent. The multicultural city construct was confirmed through physical infrastructure, land-use compatibility, cultural land-use distribution, and social-cultural characteristics. The decision-making and implementation construct was confirmed through supervision, governance, implementation quality, and participation.

The structural model demonstrated acceptable overall fit. The ratio of chi-square to degrees of freedom was 2.18, CFI was 0.93, TLI was 0.92, GFI was 0.90, and RMSEA was 0.059. These indices indicate that the theoretical model was consistent with the empirical data. The final model showed that decision-shaping quality, creative human talent, and cultural tolerance

directly affected the decision-making and implementation system. Moreover, the decision-making and implementation system, together with technology and social participation, explained creative urban development outcomes. These findings indicate that creative urban development in Shahr-e Kord depends on the simultaneous strengthening of expert-based decision-shaping, cultural tolerance, creative human capital, technological capacity, and participatory governance.

Discussion and Conclusion

The results show that the main challenge in Shahr-e Kord is not simply the absence of urban development plans, but the discursive and institutional gap between decision-shaping and implementation. The planning system produces technical knowledge and formal proposals, while the implementation system is responsible for governance, supervision, participation, and execution. However, these two systems do not operate as a fully integrated cycle. This gap weakens the ability of urban development plans to respond to the cultural diversity, social complexity, and creative capacities of the city.

The study also shows that the creative class can function as a bridging mechanism between these two systems. Technology can improve data-based planning, smart participation, and innovative service delivery. Human talent can enhance the professional quality of planning and generate new solutions for urban problems. Tolerance can transform cultural difference into a basis for coexistence, identity-making, and social creativity. Therefore, the creative class should not be treated as a marginal or decorative concept in urban planning; rather, it should be institutionalized as a strategic component of multicultural urban governance.

The findings further suggest that multiculturalism in Shahr-e Kord is not merely a demographic feature but a structural condition that should shape the logic of urban planning. The presence of diverse ethnic, cultural, and local groups requires planning approaches that promote interaction, cultural visibility, fair distribution of cultural land uses, and inclusive public spaces. When these capacities are ignored, urban plans remain physically oriented and administratively limited. When they are recognized, they can support social cohesion, creative participation, and sustainable urban development.

Overall, the study concludes that achieving creative urban development in Shahr-e Kord requires the reconstruction of the relationship between planning discourse, governance discourse, and multicultural social reality. The quality of plan preparation, professional competence of consultants, scientific support, and specialized human resources must be combined with transparent governance, continuous supervision, social participation, technological innovation, and cultural tolerance. The proposed model provides a validated framework for understanding how decision-shaping, decision-making, the creative class, and multicultural urban identity interact in the development process.

Based on the findings, urban policymakers and planners should create formal mechanisms for involving creative professionals, cultural groups, researchers, artists, and technology-oriented actors in the preparation and implementation of urban development plans. They should also strengthen smart urban systems, improve participatory platforms, support creative workspaces, design multicultural events, and institutionalize public reporting and accountability. Such actions can help transform Shahr-e Kord from a city with unrealized multicultural potential into a creative urban environment in which diversity, innovation, and governance work together to support sustainable urban development.

References

1. Reyhan Kalvanagh M, Ahadnezhad M, Heidari MT. Inefficiency of Urban Development Plans in Achieving a Sustainable City: A Case Study of Zanjan City. *Human Ecology Quarterly*. 2024;3(6):444-59.
2. Nasiri Farsi F, Hodesni H. Analysis of the Ethical Decision-Making and Decision-Building Process of Urban Planners and Managers Based on Findings from the Review of the Detailed Plan of District 22 of Tehran Municipality. *Architecture and Urban Planning*. 2024;16(44):97-114.

3. Micallef Grimaud J. Defining Key Terms in Relation to Decision-Shaping and Decision-Taking in EU Decision-Making Processes. Small States and EU Governance: Malta in EU Decision-Making Processes. Cham: Springer International Publishing; 2017. p. 57-100.
4. Avar M, Moghli M, Afifi ME. Prioritizing Barriers to the Non-Realization of Urban Development Plans Using the Fuzzy AHP Technique: A Case Study of Lamzan City. Quarterly Journal of Geography and Regional Planning. 2022;12(4):448-71.
5. Rezaei N, Majedi H, Zarabadi ZS, Zabihi H. Explaining the Role of Factors Affecting the Feasibility of Urban Development Plans: A Case Study of Shiraz. Journal of Urban Research and Planning. 2018;9(34):47-58.
6. Kolivand H, Talachian M, Majedi H. Meta-Analytical Evaluation of Articles on the Pathology of Urban Development Plans in Iran. Scientific Journal of Architecture and Urban Planning of Iran. 2023;14(1):327-40.
7. Habibi K, Sheikh-Ahmadi A. Evaluation of Urban Development Plans and Explanation of Their Content and Procedural Inefficiency Factors in Iran. Journal of Sustainable City. 2023;6(3):1-21.
8. Florida RL. Cities and the Creative Class: Psychology Press; 2005.
9. Hassen I, Giovanardi M. The Difference of Being Diverse: City Branding and Multiculturalism in the Leicester Model. Cities. 2018;80:45-52.
10. Khoshab A, Khakpour B, Alaei R. Pathology of Urban Development Plans from Preparation to Implementation with Emphasis on the Comprehensive and Detailed Plans of Mashhad. Journal of Geography and Urban Space Development. 2022;9(3):195-216.
11. Daneshvar M. Revealing Components of the Preparation and Approval Process of Urban Development Plans Using Multilevel Situational Analysis: A Case Study of Urban Development Plans in Mashhad. Journal of Architecture and Urban Planning. 2021;14(32):91-110.
12. Rafieian M, Taghvaei AA, Shahmohammadian H. An Analysis of Power Relations in the Planning Process of Urban Development Plans: Case Study of 17 Shahrivar Axis, Tehran. Geography and Development. 2018(52):97-116.
13. Dadfar S, Moradi Masihi V, Ahmadian R, Bandarabad A. Developing the Process of Urban Development Plans Based on the Foresight Approach. Geography: Scientific-Research and International Quarterly of the Iranian Geographical Association. 2018;16(57):30-46.
14. Kazemian G, Bahraini SH, Hosseini Dehaghani M. Analyzing the Challenges of Ethical Decision-Making by Urban Managers in Urban Development Plans: Case Study of the Comprehensive Plan of Abbasabad Lands, Tehran, Approved in 2005. Honar-ha-ye Ziba: Architecture and Urban Planning. 2017;22(2):29-42.
15. Wang H, Zhao Y, Gao X, Gao B. Collaborative Decision-Making for Urban Regeneration: A Literature Review and Bibliometric Analysis. Land Use Policy. 2021;107:105479.
16. Tavangar M, Habibi M. Application of Critical Discourse Analysis in Urban and Urban Planning Research. Soffeh Journal. 2022;32(2):89-104.
17. Ghaderzadeh O, Nasrollahi Y. Social Tolerance in Multicultural Societies: A Survey Study of Ethnic Groups in Miandoab City. Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. 2019;16(1):89-133.
18. Mohammadi M, Rajabi Vajargah S. Developing an Optimal Model of Intercultural Communication to Strengthen Users' Lived Experience in Contemporary Multicultural Spaces: A Case Study of Si-e Tir Street, Tehran. Sustainable Architecture and Urban Planning. 2020;8(1):81-99.
19. Tahmasbizadeh R, Esmaeili R. Improving Social Capital and Promoting Social Consensus in Multicultural Cities: A Case Study of Shahin Shahr. Urban Sociological Studies. 2021;11(40):151-75.
20. Esmaeili E, Sadeghi A, Mehrmohammadi M. Explaining the Model of a Multicultural Curriculum for Social Studies in Lower Secondary Education with Emphasis on the Feminist Approach: A Research Synthesis. Research in Curriculum Planning. 2022;19(45):112-36.
21. Sari E. The Construction of Cultural Boundaries and Identities in Intercultural Communication: The Case of Mardin as a Multicultural City. 2010.
22. Ligny C, Simon P, Courtmans I, Van Vlierberg C, Daout ML, Mansbach AL. E068 Brussels a Multicultural City: How to Manage the Migrants Children with CI? Results and Guidance. International Journal of Pediatric Otorhinolaryngology. 2011;75:73.
23. Fincher R, Iveson K, Leitner H, Preston V. Planning in the Multicultural City: Celebrating Diversity or Reinforcing Difference? Progress in Planning. 2014;92:1-55.
24. Fischer LK, Honold J, Cvejic R, Delshammar T, Hilbert S, Laforteza R, et al. Beyond Green: Broad Support for Biodiversity in Multicultural European Cities. Global Environmental Change. 2018;49:35-45.
25. Ye J. Multicultural Cities. International Encyclopedia of Human Geography 2020.
26. Hataminejad H, Faraji Mollaie A. Feasibility Assessment of Implementing City Development Strategy (CDS) Plans in Iran. Urban and Regional Studies and Research. 2011;2(8):55-76.
27. Salasi M. Anthropology: Discovering Human Differences. Tehran: Elmi Publications; 2007. 872 p.
28. Davidman L, Davidman PT. Teaching with a Multicultural Perspective: A Practical Guide. White Plains, NY: Longman Publishing Group; 1994.
29. Gay G. The Importance of Multicultural Education. Curriculum Studies Reader E2: Routledge; 2013. p. 312-8.
30. Mateo-Babiano I, Fong A. Integrating Multiculturalism in Public Space Policy and Place Governance. Urban Governance. 2024.
31. Chan WF. Writing Multiculturalism? Planning for Culturally Different Identities in the City of Birmingham. Planning Theory & Practice. 2007;8(1):69-85.
32. Qalehnoei M, Moezzi Mehr Tehran AM, Shakerami A. Examining the Role of Culture in the Revitalization of Historical Neighborhoods with Emphasis on the Cultural Neighborhood Approach. Art and Architecture Studies. 2016;2(7).

33. Pareja-Eastaway M, Chapain C, Mugnano S. Successes and Failures in City Branding Policies. Place-Making and Policies for Competitive Cities 2013. p. 149-71.
34. Hendriks F. Cars and Culture in Munich and Birmingham: The Case for Cultural Pluralism. Politics, Policy, and Culture: Routledge; 2019. p. 51-69.
35. Visser O, Bakker M. Multicultural Vanguard? Sarajevo's Interethnic Young Adults Between Ethnic Categorisation and International Spaces. Europe-Asia Studies. 2016;68(3):460-86.
36. Veronis L, Ahmed R. The Role of Multicultural Media in Connecting Municipal Governments with Ethnocultural and Immigrant Communities: The Case of Ottawa. Global Media Journal. 2015;8(2):73.
37. Bideau FG, Kilani M. Multiculturalism, Cosmopolitanism, and Making Heritage in Malaysia: A View from the Historic Cities of the Straits of Malacca. International Journal of Heritage Studies. 2012;18(6):605-23.
38. Nazari F, Jafari Mehrabadi M, Davoudi M. Residential Preferences of the Creative Class in Rasht and Factors Affecting Them. Scientific Journal of Geographical Studies of Coastal Areas. 2022;3(3):51-63.
39. Lawton P, Murphy E, Redmond D. Residential Preferences of the Creative Class? Cities. 2013;31:47-56.
40. Batabyal AA, Yoo SJ. Schumpeterian Creative Class Competition, Innovation Policy, and Regional Economic Growth. International Review of Economics & Finance. 2018;55:86-97.
41. Florida R. Cities and the Creative Class. City & Community. 2003;2(1):3-19.
42. Azimi N, Rezaei Adaryani S, Ahmadi H. The Role of Space and Physical Environment in Realizing an Iranian-Islamic Creative City. Urban Planning Knowledge Journal. 2018;2(1).